

## تأثیر زبان عربی بر اشعار قرن پنجم

ابراهیم فلاح\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۸

### چکیده

زبان و ادبیات، بیان‌گر هویت و اصالت و شخصیت یک ملت است. پیوند و تأثیر و تأثیر میان زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عربی دوسویه بوده است. تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی به قبل از ظهور اسلام برمی‌گردد. اما با ظهور اسلام این تأثیرگذاری در اندیشه و فرهنگ ایرانیان گسترش یافت اما قرن پنجم هجری که از قرون درخشان دوره اسلامی است، در این قرن تأثیر قرآن و زبان عربی بر اشعار فارسی نسبت به دوره‌های قبل بیش‌تر نمایان است. از آنجایی که ادبیات عربی موجب غنای زبان و ادبیات فارسی است، تأثیرگذاری آن در زمینه‌های مختلف از جمله الفاظ و جمل و خیال و اندیشه و سبک بوده است. زبان عربی چون زبان قرآن و متون مقدس هست، ایرانیان و ادب فارسی توجه ویژه‌ای به آن نشان دادند و از آن تأثیر فراوانی پذیرفتند. این پژوهش با عنوان «تأثیر زبان عربی بر اشعار قرن پنجم» در صدد است که به بررسی و تحلیل تأثیر زبان عربی بر اشعار قرن پنجم پرداخته و همچنین گونه‌های تأثیرگذاری را نیز مورد مذاقه قرار دهد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که گونه‌های تأثیرگذاری زبان عربی بر اشعار قرن پنجم عبارت‌اند از بکارگیری واژگان و ترکیبات عربی، بکارگیری مضامین ابیات عربی ترجمه ابیات عربی، بکارگیری آرایه‌های بلاغی مانند پی‌آوری، تضمین و تشبیه.

**کلیدواژگان:** زبان فارسی، ترکیبات عربی، آرایه‌های بلاغی، فرهنگ، سبک.

---

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. Fallahabrahin@gmail.com

## مقدمه

حضور اعراب در ایران و دوام این حضور تا حدود سه قرن در این سرزمین، تأثیرات فوق‌العاده‌ای بر زبان و ادبیات فارسی گذاشته است (طایفی، پورشبانان، ۱۳۸۹: ۷۱). شعر و ادب فارسی از آغاز سده سوم، با کوشش‌های پیگیر نخستین شاعران و سخنوران پارس، مانند حنطله بادغیسی، محمد بن وصیف، فیروز مشرقی، ابوشکور بلخی، و رودکی سمرقندی پا می‌گیرد و استوار می‌شود. در همین روزگاران، زبان عربی نیز که زبان قرآن و اسلام بود، گسترشی چنان فراگیر و ریشه دار یافته بود که کتاب‌ها به این زبان نوشته می‌شد، درس‌ها به این زبان گفته و آموخته می‌شد، وعظ‌ها به این زبان صورت می‌گرفت.

از سوی دیگر، بسیاری از شاعران پارسی زبان آن روزگار، زبان عربی را در مدرسه آموخته بودند و با فرهنگ و معارف قرآنی آشنا شدند، طبیعی است که از این زبان کهن، اثر پذیرفته و بسیاری از واژگان و اصطلاحات و معارف و ظرایف آن را در اشعار خویش بیاورند، این تأثیرپذیری موجب غنای زبان فارسی می‌شد و آن را برای خواننده، خواندنی تر و پذیرفتنی‌تر می‌ساخت. اما پرسش پژوهش حاضر آن است که گونه‌های تأثیرگذاری زبان و ادبیات عربی بر اشعار قرن پنجم چیست؟ آیا این تأثیرپذیری در اشعار شاعران قرن پنجم مشهود است؟ آنچه مسلم است به خاطر استقبال ایرانیان از زبان عربی که به عنوان زبان قرآن و به خاطر ویژگی‌های خاص آن، از این زبان تأثیر فراوانی پذیرفتند که در اشعار و فرهنگ و ادب فارسی کاملاً مشهود است.

## پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده، تا کنون پژوهش خاصی درباره تأثیر زبان عربی بر اشعار فارسی قرن پنجم صورت نگرفته است. ولی به طور پراکنده مطالبی در مقدمه دیوان برخی از شاعران ذکر شده است. همچنین در تاریخ ادبیات ایران نیز هنگام بررسی احوال و آثار برخی از شاعران به این موضوع پرداخته شد. بنابراین مقاله حاضر از نوآوری برخوردار است.

### شیوه و گونه‌های اثرپذیری از زبان عربی

بسامد نفوذ شاعران عرب و زبان عربی و اندیشه‌های آنان در اشعار فارسی بسیار گسترده است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. با مطالعه دیوان شاعران فارسی زبان می‌توان به عمق این نفوذ هرچه بیشتر تر وی برد. شاعران پارسی‌زبان کم و بیش زبان عربی را در سروده‌های خویش به کار برده‌اند. میزان و چگونگی بکارگیری زبان عربی در اشعار فارسی متفاوت است. زبان عربی حتی در «شاهنامه» که فردوسی با هدف زنده کردن زبان فارسی سرود، وارد شده است (فلاحی، ۱۳۹۳: ۶۶). اکنون در این مجال به شیوه‌های اثرگذاری زبان عربی بر اشعار فارسی قرن پنجم پرداخته خواهد شد.

### بکارگیری واژگان و ترکیبات عربی

در این شیوه اثرپذیری، شاعر در بکارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها وام دار شاعران عربی است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی که ریشه عربی دارند و مستقیم توسط خود شاعر به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند. واژه عربی در این گونه با همان ساختار عربی خود، بی هیچ دگرگونی، بی آنکه ساختار عربی آن چندان آسیب ببیند، به زبان ادب فارسی و اشعار شاعران قرن پنجم راه یافت که در ذیل مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت. مثلاً در بیت:

مردمان گویند: سلطان لشکری دارد قوی      پشت لشکراوست در هیجابه حق کردگار  
(دیوان فرخی: ۵۶)

واژه «هیجاء» عربی است که به معنای جنگ و نبرد است (فیومی، ج ۲: ۶۴۴) و با بسامد بالایی در اشعار شاعران عربی از جمله متنّبی به کار رفته است:

بالجیش یمتنع الساداتُ کلّهم      والجیش بَابن أبی الهیجاءِ یمتنعُ  
(دیوان متنّبی: ۴۵۲)

یا در بیت:

شعر درازتر ز «قفا نیک» پیش او      کوتاه شود چو قافیه شعر مثنوی  
(دیوان فرخی: ۴۰۰)

به مطلع قصیده /مرؤ/القیس از قصائد معلقات سبع اشاره دارد. عبارت «قفا نبک» عربی است که به اشعار فرخی راه یافته است:

قفا نبک من ذکری حبیبٍ ومنزل  
بسقط اللوی بین الذخول فحوملٍ  
(معلقات سبع: ۱۹)

همچنین واژه‌های عربی «طلول، ربّ، دِمن» از واژه‌های عربی است که در اشعار عربی جاهلی بسیار به کار رفته و از مضامین اصلی آن است که منوچهری در اشعارش همین واژه‌های عربی را بدون هیچ تغییر به کار برده است.

هر جایگهی کانجا آمد شدن من  
آنجا همه گه باشد آمد شدن من  
و آنجا که بودستی ایام گذشته  
آنجاست همه ربّ و طلول و دِمن من  
(دیوان منوچهری: ۲۳۰)

واژه «زبّع» به معنای منزل بهاری (مصطفی و دیگران، ج ۱: ۳۲۴) که در اشعار زهیر ابن ابی سلمی از شاعران عصر جاهلی آمده است:

فلما عرفت الدار قلت لربّیها  
ألا انعم صباحاً أيها الربّع وأسلم  
(دیوان زهیر ابن ابی سلمی: ۲۰۹)

یا لبید بن ابی ربیعہ نیز از شعرای عصر جاهلی واژه «طلول» را در اشعارش به کار برده است، آنجا که می‌سراید:

وجلا السیول عن الطلّول کآنها  
زُبُرٌ تجدُّ متونها أقلامها  
(بستانی، ج ۱: ۱۰۴)

هم‌چنین زهیر ابن ابی سلمی واژه «دمنة» را در مطلع قصیده خویش به کار برده است:

أمن أم أوفی دمنة لم تکلم  
بحومانة الدراج فالمتتلم  
(دیوان زهیر ابن ابی سلمی: ۲۰۸)

توضیح اینکه واژه «دمنه» به معنی آثار بر جای مانده از خیمه، مثل خاکستر و پشگل است و جمع آن دِمن می‌باشد (مصطفی و دیگران، ج ۱: ۲۹۸).

یا واژه «سیف أصدق» که ترکیب عربی است. در اشعار فارسی بسامد بالای دارد. مثلاً در بیت:

من گفته شعری مشتهر، در تهنیت واندر ظفر

از «سیف اصدق» راست در فتح آن عمّوریة

(دیوان منوچهری: ۱۰۲)

همچنین این بیت:

به تیغ شاه نگر، نامه گذشته مخوان      که راستگوتر از نامه، تیغ او بسیار

(دیوان عنصری: ۷۳)

منوچهری و عنصری در کاربرد این واژه ترکیبی عربی به این بیت /بوتّمَام نظر داشته‌اند و وام‌گیری نموده‌اند. ترکیب «سیف اصدق» در بیت /بوتّمَام اشاره است به فتح عموریة شام به دست معتصم خلیفه عباسی که در سال ۲۳۰ هجری اتفاق افتاده است.

السيفُ أصدقُ إنباءً من الكُتب      فی حَدّهِ الحدَّ بینَ الجِدِّ واللَّعبِ

(بستانی، ج ۳: ۸۴)

البته منوچهری در بیت دیگر نیز ترکیب «سیف اصدق» را به کار برده است آنجا که

می‌سراید:

آن که گفته ست «أذنتنا» آن که گفت «الذاهبین»

آن که گفت «السيف أصدق» آن که گفت «أبلی الهوی»

(دیوان منوچهری: ۱۳۱)

قابل توجه است که منوچهری در ابیات فوق غیر از ترکیب «السيف أصدق» واژه‌های أذنتنا و الذاهبین و أبلی الهوی را به کار برده است که مستقیم بدون هیچ تغییری از اشعار عربی وارد اشعارش نموده است. واژه «أذنتنا» اشاره به این بیت حارث بن حلّزة پیشکری دارد:

أذنتنا بینها أسماء      رَبِّ ثاوٍ يُمَلُّ منه الثَّوَاءُ

(معلقات سبع: ۱۲۴)

همچنین واژه «الذاهبین» اشاره به این بیت /مرؤ القیس دارد:

ألا یا عینِ جُودی لی شنینا      وبکی لی الملوک الذاهبینا

(بستانی، ج ۱: ۵۳)

یا آن که گفته است أبلی الهوی اشاره به این بیت /بوالطیب متنّبی دارد:

أبلى الهوى أسفاً يومَ النَّوى بدنى      وَفَرَّقَ الْهَجْرُ بَيْنَ الْخَفْنِ وَالْوَسَنِ

(دیوان متنبی: ۴۳۸)

باید اذعان نمود که این اثرگذاری واژگانی زبان عربی بر اشعار فارسی فراوان و بسیار است که در ابیات فوق به عنوان نمونه بدان اشاره رفت.

### بکارگیری مضامین ابیات عربی در نظم فارسی

در این شیوه شاعر از مضامین و درونمایه اشعار شاعران عربی در اشعارش بهره می‌گیرد. استفاده از مضامین ابیات عربی در شعر شاعران فارسی قرن پنجم بسامد بالایی دارد که در ذیل بدان اشاره خواهد شد. مثلاً منوچهری در اشعارش آورده است.

اسبی که صفیرش نزی، می نخورد آب      نی مرد کم از اسب و نه می کم تر از آب است

(دیوان منوچهری: ۹)

درونمایه و مضمون این بیت مقتبس از اشعار متنبی است. آنجا که می‌سراید:

الیوم یوم بکور	علی نظام سرور
و یوم عزف قیان	مثل التماثل حور
ولا تکاد جیاد	ترمی بغیر صفیر

(تعلیقات دیوان منوچهری: ۲۲۶)

عنصری در بیتی از مضامین و درونمایه اشعار متنبی استفاده نموده است:

تو ای شاه ار ز جنس مردمانی      بُود یاقوت نیز از جنس اشجار

(دیوان عنصری: ۴۱)

مضمون بیت فوق برگرفته از این شعر متنبی است:

فإن تُفَقَّ الأنامَ و أنت منهم      فإنَّ المسكَ بعضُ دم الغزال

(متنبی، ج ۲: ۷۷)

همچنین *فخرالدین اسعد گرگانی* مضمون و درونمایه اشعار شاعران عربی را در

اشعارش اینگونه به کار برده است:

که و مه راست باشد نزد نادان      چو روز و شب به چشم کور، یکسان

(ویس و رامین: ۶۰)

مضمون بیت فوق برگرفته از این بیت متنبی است:

وما انتفاع أخى الدنيا بناظرة إذا استوت عنده الأنوار والظلم

(دیوان متنبی، ج ۲: ۲۹۰)

این شیوه اثرگذاری بر اشعار فارسی فراوان است که در این مقال نمی‌گنجد.

### ترجمه ابیات عربی به نظم فارسی

در این شیوه، شاعر از گردانیده (ترجمه) اشعار عربی در اشعارش بهره می‌گیرد و بدون هیچ تغییری اشعار عربی را معنی می‌کند، و یا گاهی ممکن است تغییری در مضمون آن انجام دهد.

مثلاً در این بیت که برای اولین بار *امیر سیف الدولة ابوالحسن علی بن حمدانی* در

طی قطعه عربی به کار برده است:

يُطَرِّزُهَا قَوْسُ السَّحَابِ بِأَصْفَرٍ  
كَأَذْيَالِ خُودٍ فِي غَلَائِلِ  
علی أثمر في أخضرٍ تحت مغيضٍ  
مُصَبَّغَةَ وَالْبَعْضُ أَقْصَرُ مِنْ بَعْضٍ

(تعلیقات منوچهری: ۲۴۸ و ۲۴۹)

قطعه فوق را *امیر طاهر بن الفضل* ترجمه کرده است:

بر بسته هوا چون کمری قوس قزح را  
از اصغر و از احمد و از ابیض معلم  
گویی دوسه پیراهن که هر یک را بود پیدا  
بُنِ دامن یکی احمر یکی اصغر یکی اخضر

(همان: ۲۴۸ و ۲۴۹)

یا منوچهری سروده است:

همچنان سنگی که سیل او را بگرداند ز کوه

گاه زان سو، گاه زین سو، گاه فراز و گاه باز

(دیوان منوچهری: ۵۳)

این بیت منوچهری ترجمه شعر *امرؤ القیس* است:

مِکَرِّ، مِفِرِّ مَقْبَلِ مَدْبِرِ مَعَاً  
کَجَلْمُودِ صَخْرٍ حَطَّةُ السَّيْلِ مِنْ عَلِ

(بستانی، ج ۱: ۳۴)

## اثرگذاری اشعار عربی بر شعر فارسی از جنبه بلاغی

بحث و بررسی درباره هنر سخنوری و دانش بلاغت، تاریخی دیرینه دارد و در زبان عربی، از دانش‌هایی است که به برکت قرآن پدید آمده است. روزگار نزول قرآن کریم، روزگاری است که مخاطبان نخستین قرآن، یعنی عرب‌ها، هرچند در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی پیاده و تهیدست بودند، در زمینه سخنوری و هنرهای زبانی چون شعر و خطابه بس پیشرفته و برجسته بودند.

در میان آنان شاعران، خطیبان و سخنوران بزرگ بسیار بودند که بیش‌ترین آنان سخن دوست و سخن شناس بودند و انجمن‌های ادبی و سخن پژوهی در میان آنان بازاری گرم داشت و سخنوران و شاعران در میانشان پایگاهی برجسته داشتند. عرب‌ها در اسلوب سخنوری و بیان سرآمد بوده و در دیگر زبان‌ها از جمله زبان فارسی اثرگذاری وسیع داشتند. اکنون در این مجال به برخی از جنبه‌های اثرگذاری بلاغی اشعار عربی در اشعار فارسی قرن پنجم پرداخته خواهد شد.

### ۱. پی آوری

«پی آوری» نغمه و نوا و مایه و معنای سخن را خوش و دلپذیر می‌سازد. یعنی از پی هم آوردن چند اسم، صفت، فعل، عبارت یا جمله «نوروزی کرمانشاهی: ۵۷). پی آوری در اشعار شاعران فارسی قرن پنجم با تأثیرپذیری از اشعار شاعران عربی بسامد فراوانی دارد.

مثلاً در این بیت منوچهری:

کش و بند و بر و آر و کن کار و خور و پوش

کین و مهر و غم و لهو و بد و نیک و می و راز

(دیوان منوچهری: ۵۲)

بیت فوق یادآور این دو بیت متنّبی بوده، آنجا که سروده است:

أَقْلُ أَنْلُ أَنْ صُنَّ أَحْمِلُ غَلًّا سَلًّا أَعِدُّ      زِدْ هَشًّا بَشًّا هَبَّ إِغْفِرْ أَدْنِ سُرِّ صِلِ  
عَشِّ أَبَقِ اسْمٌ قَدْ جُدَّ مِرَانَهُ رِفَّ اسْرِنَلُ      غَطِّ اِرْمِ صِبِّ اِحْمِ أَغْزُ اسْبِ رُوعِ دَلِّ اِثْمِ نُلِّ

(دیوان متنّبی، ج ۲: ۱۱۵)

## ۲. تضمین یا ایداع

«تضمین آن است که سراینده مصراع یا بیت یا بیش‌تری را از سایر اشعار خود یا از شعر دیگران در طی ابیات‌اش بیاورد» (زاهدی، بی تا: ۳۳۰). این صنعت به گونه‌های مختلف است که در ذیل به برخی از موارد تضمین شاعران فارسی از اشعار عربی اشاره خواهد شد. مثلاً در این بیت، منوچهری سروده است:

من بسی دیوان شعرِ تازیان دارم ز بر تو ندانی خواند: ألا بصحنک فأصبحینا  
(محقق: ۳۲)

بیت فوق تضمینی است از اشعار عمرو بن کلثوم در معلقات سبع آنجا که سروده است:

ألا هُبی بصحنک فاصبحینا ولا تبقی خمور الأندرینا  
(معلقات سبع: ۹۲)

## آرایه تشبیه

تشبیه یکی از موضوعات علم بیان است که در لغت یعنی مانند کردن و در اصطلاح چیزی را در صفت یا حالتی با چیز دیگری پیوند دادن و با آن همسان شمردن (نوروزی کرمانشاهی: ۶۵).

در ایراد کلام به صورت تشبیه غرض آن است که با استفاده از مشبه به، مشبه و صفت و حالت مورد نظر را روشن‌تر به مخاطب القا کنند. در تشبیه، لطافت‌ها و زیبایی‌هایی است که کلام را در نظر مخاطب دلپذیر و دلنشین و مخاطب را نسبت به پذیرش آن راغب می‌سازد و به گویندگان و شاعران و نویسندگان امکان می‌دهد که از این راه، معانی را در اعماق ذهن و احساس مخاطبان خود جای دهند و آنان را مستخر کلام خویش سازند. شاعران زبان عربی تشبیه‌های جالبی در اشعارشان به کار برده‌اند که به تبعیت از آن‌ها شاعران فارسی زبان نیز از اسلوب تشبیه استفاده کرده‌اند. مثلاً

فخرالدین اسعد گرگانی سروده است:

جهان خواب است و ما در وی خیالیم چرا چندین در او ماندن سگالیم  
(ویس و رامین: ۳۶۳)

به نظر می‌رسد تشبیه فوق برگرفته از این بیت تهامی باشد:

فالعیش نومٌ والمنیة یقظة  
والمراء بینهما خیال سار

(تعلیقات ویس و رامین: ۵۳۷)

و یا منوچهری سروده است:

بامدادان بر هوا قوس قزح  
پنج دیبای مُلُون بر تنش

بر مثال دامن شاهنشهی

باز جسته دامن هر دیبهی

(دیوان منوچهری: ۱۴۹)

تشبیه فوق را به شکل زیباتر برای اولین بار /امیر سیف الدوله حمدانی به کار برده

است:

یُطَرِّزُهَا قَوْسُ السَّحَابِ بِأَصْفَرٍ  
كَأَذْيَالِ خَوْدِ أَقْبَلْتِ فِي غَلَائِلِ

علی أحمرٍ فی أخضرٍ تحت مغیضٍ

مُصَبَّغَةَ وَالْبَعْضُ أَقْصَرُ مِنْ بَعْضٍ

(همان: ۲۴۸ و ۲۴۹)

یا عنصری در بیت خودش تشبیه ضمنی به کار برده است، در عین حال ترجمه درون

مایه اشعارش برگرفته از اشعار متنّبی است:

تو ای شاه ار ز جنس مردمانی  
بُود یاقوت نیز از جنس اشجار

(تعلیقات دیوان عنصری: ۳۷۸)

بیت فوق برگرفته از اشعار متنّبی است:

فَإِنَّ تَفُقَّ الْأَنَامَ وَ أَنْتَ مِنْهُمْ  
فَإِنَّ الْمَسْكَ بَعْضُ دَمِ الْغَزَالِ

(دیوان متنّبی، ج ۲: ۷۷)

به نظر می‌رسد متنّبی زیباتر و دلنشین‌تر از عنصری تشبیه ضمنی را به کار برده

است.

### نتیجه بحث

پس از بررسی موضوع «تأثیر زبان عربی بر اشعار قرن پنجم» نتایج و رهیافت‌های

ذیل حاصل شد:

آغاز تعاملات زبان‌های فارسی و عربی تنها مربوط به ظهور اسلام و گسترش دین اسلام نیست بلکه به ایران باستان بازمی‌گردد.

با وجود تأثیرگذاری زبان عربی بر زبان فارسی، زبان ایرانیان هم‌چنان استقلال خود را حفظ کرده است.

گونه‌های اثرگذاری زبان عربی بر اشعار شاعران قرن پنجم، بکارگیری واژگان و ترکیبات عربی، بکارگیری مضامین ابیات عربی و ترجمه عربی ابیات عربی است.

قرن پنجم هجری از قرون درخشان دوره اسلامی است، در این قرن تأثیر قرآن و زبان عربی بر اشعار فارسی نسبت به دوره‌های قبل بیش‌تر نمایان است.

شاعرانی که اشعارشان در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت عبارت‌اند از منوچهری، *فخرالدین اسعد گرگانی*، *عنصری*، *فرخی* که تأثیر اشعار عربی در اشعار منوچهری از بسامد بالاتری برخوردار است.

عرب‌ها در اسلوب سخنوری و بیان سرآمد بوده، و در دیگر زبان‌ها از جمله زبان فارسی اثرگذاری وسیع داشتند.

بکارگیری آرایه‌های بلاغی مانند پی‌آوری، تضمین، تشبیه در اشعار شاعران قرن پنجم با تأثیرپذیری از اشعار شاعران عربی بسامد فراوانی دارد.

تأثیرپذیری شاعران فارسی قرن پنجم از اشعار شاعران عربی بر غنا و دلپذیری اشعار فارسی افزوده است.

## کتابنامه

### کتب عربی

- أبی سلمی، زهیر. ۱۴۱۳ق، دیوان، بیروت: مؤسسه عز الدین.  
بستانی، فؤاد افام. ۱۴۱۹ق، المجانی الحدیثة، ج ۱ و ۳، قم: انتشارات ذوی القربی.  
قیومی، احمد بن محمد. ۱۴۲۵ق، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دار الهجرة.  
متنبی، ابوالطیب. ۱۴۳۱ق، دیوان المتنبی، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی.  
مصطفی، ابراهیم و دیگران. ۱۳۸۵ش، المعجم الوسیط، تهران: مکتبه المرتضوی.  
معلقات سبع. ۱۳۸۲ش، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.

### کتب فارسی

- اسعد گرگانی، فخرالدین. ۱۳۷۷ش، ویس و رامین، با مقدمه و تصحیح و تحشیه مجد روشن، تهران: صدای معاصر.  
زاهدی، زین الدین. بی تا، روش گفتار در فن معانی، بدیع، بیان، مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد.  
عنصری. ۱۳۶۳ش، دیوان، به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه سنایی.  
فرخی سیستانی، ابوالحسن علی ابن جولوغ. ۱۳۷۱ش، دیوان فرخی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: زوآر.  
محقق، مهدی. ۱۳۶۸ش، تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
منوچهری دامغانی، ابوالنجم. ۱۳۷۰ش، دیوان منوچهری دامغانی، به اهتمام سید محمد دبیر سیاقی، تهران: زوآر.  
نوروزی کرمانشاهی، محمدجواد. ۱۳۸۸ش، نهج الاعجاز، قم: بشرا.

### مقالات

- طایفی، شیرزاد و علیرضا پورشبانان. ۱۳۸۹ش، «بررسی تأثیر متقابل عرب و زبان عربی و شعر فارسی در قرون نخستین هجری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال هجدهم، شماره شصت و هفتم، صص ۹۳-۷۱.  
فلاحتی، صغری. ۱۳۹۳ش، «تأثیر زبان عربی بر شعر نظیری نیشابوری»، فصلنامه شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ششم، شماره نوزدهم، صص ۸۴-۶۵.

### Bibliography

A'b Sulmi, Zahir (1413); Tribunal, Beirut: Ezuddin Institute.

- Asad Gorgani, Fakhreddin (1998) Weiss and Ramin, with the introduction and correction of Majd Clear, Tehran: Contemporary Voice.
- Falahati, Soghri. (1393), The Effect of Arabic on Poems Like Neyshabouri. Quarterly Quarterly Journal of Sistan and Baluchestan University, Year 6, No. 19. Pp. 84-65.
- Farrokhi Sistani, Abolhassan Ali ibn Joloqah (1992); Divan Farrokhi, under the direction of Mohammad Debir Zahari, Tehran, Zavar Publishing House.
- Fasani, Fuad Efram (1419); Al-Mojani al-Haditha, 1, 3, Qom: Zoya al-Qaribi publication.
- The Divan of Eleanori (1363); Corrected by Seyyed Mohammad Dehir Siasi, Tehran: Sana'a Library.
- Zahedi, Zayn al-Din (Bi); Speech Method in Fan Mean, Badie, Expression, Mashhad: Mashhad University Press.
- Manouchehri Damaghani, Abu al-Najm (1370); Manouchehri Damghani's Divan, by Sayyid Muhammad Debir al-Fatiqi, Tehran: Zavar.
- Nowruz Kermanshahi, Mohammad Jawad (2009); Nahj al-Ajaz, Qom: Bashra.
- Phoumy, Ahmed Bin Mohammad (1425); Al-Mayshab al-Namir, Qom: Daralldzhareh Institute.
- Mutabi, Abu al-Ta'ib (1431); Diwan al-Mutanabi, c 2, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Researcher, Mehdi (1989); Naser Khosrow's Poetry Analysis, Tehran: Tehran University Press.
- Mostafa, Ibrahim and others (2006); Al-Mu'ayyim al-Wassat, Tehran: Mokhtve al-Martazavi.
- Saba (2003); translator Abdolmohammad Ayati, Tehran, Soroush.
- Ta'ifi, Shirzad. Pourshbanian, Alireza. (2010); Study of the Arabic Interaction and Arabic Language and Persian Poetry in the First Ages, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, eighteenth year, number sixty and seventh. Pages 93-71.

## **The Influence of the Arabic Language on Fifth Century's Poetries**

Ibrahim Fallah: Assistant Professor, Arabic Language & Literature, Islamic Azad University, Sari Branch

### **Abstract**

Language and literature express the identity, originality and personality of a nation. The connection and influence between Persian and Arabic language and literature has always been reciprocal. The influence of Arabic on Persian dates back to afore the advent of Islam. However, by manifestation of Islam, the mentioned influence spread in Iranian thought and culture, but the fifth century which is one of the brilliant centuries of the Islamic period, the influence of Qur'an and Arabic on Persian poetry is more visible than previous periods. Since Arabic literature enriches Persian language and literature, its influence has been in various fields including words, phrases, imagination, thought, and style. As Arabic is the language of Qur'an and sacred texts, Iranians and Persian literature paid special attention to it and were greatly influenced by it. The present research entitled "The Influence of the Arabic Language on Fifth Century's Poetries" seeks to study and analyze the impact of Arabic language on fifth-century poetry as well as to examine the influential genres. The results show that the types of influence of Arabic language on fifth century's poems include applying Arabic words and phrases, contents of Arabic concepts translated into Arabic verses, rhetorical figures of speech such as quotation and simile.

Keywords: Persian language, Arabic composition, rhetorical parts of speech, culture, style.